

# وضعیت تولید و انتشار کتاب های علوم اجتماعی در ایران بر اساس الگوهای علم سنجی

غلامرضا ذاکر صالحی

استادیار موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی

Grsalehi1@yahoo.com

## چکیده

علوم اجتماعی در ایران با استناد به میزان کمی انتشارات به کم کاری و عدم هماهنگی با جریان پرشتاب تولید و انتشار علم متهم شده است. مساله اصلی نوشتار حاضر این است که این اتهام با توجه به داده های عینی و بی طرفانه تا چه حد متوجه علوم اجتماعی در ایران است؟

با توجه به ادبیات جامعه شناسی علم، انتشار از سویی ذخیره انواع سرمایه را غنی می کند و از سوی دیگر ابزاری برای منازعه رقابتی در میدان علم و اثبات شایستگی علمی است، این فرآیند بخش مهمی از نظام پاداش دهی در اجتماعات علمی و اسباب تعامل علمی دانشمندان و معرفت هنجار اجتماع گرایی است.

از همه مهمتر میزان کمی و کیفی انتشارات علمی نشان دهنده رشد علم در هر زمینه و شاخه از علوم بشری است. به لحاظ اینکه علم یک اندامواره ی زنده است و "زندگی علم" شباهت های بسیاری با زندگی طبیعی دارد، نظریه "زیست بوم شناختی علم" می تواند استعاره ها و مفاهیم قوی برای توضیح رشد علم را در اختیار محققان قرار دهد.

مقاله حاضر با بهره گیری از این رویکرد و با استفاده از روش "علم سنجی" تلاش می کند تحولات تولید علم در قلمرو علوم اجتماعی را در دهه 88-1378 بازشناسی کند.

یافته های این مطالعه نشان می دهد، الگوی اصلی تولید علم در قلمرو علوم اجتماعی در کشور ما "تولید کتاب" بوده است. در این عرصه در دهه اخیر، 80 درصد تولید علم به علوم انسانی و 14.9 درصد به علوم اجتماعی اختصاص داشته است. از نظر کمی، در میزان تولید علم، علوم اجتماعی در رتبه سوم پس از ادبیات و دین قرار دارد. این مساله بیانگر "اصل تنوع" در زیست بوم علم است به این معنا که نحوه تولید و زیست بوم علوم اجتماعی بر اساس الگوی کتاب است نه مقاله ISI. هر چند در برخی رشته ها مانند شیمی این الگو متفاوت است. از سویی یافته ها نشان داد در دهه مورد مطالعه رشد کمی تولیدات علوم اجتماعی با رشد کمی سایر رشته ها همزاد و همراه است. این مساله نیز پدیده "هم تطوری" را در زیست بوم علم بازنمایی می کند.

سایر یافته ها با توجه به مولفه هایی چون ترجمه ای یا تالیفی بودن، میزان تهرانی یا شهرستانی بودن علوم اجتماعی، زنانه یا مردانه بودن علوم اجتماعی، تولید چاپ اول و تجدید چاپ و سایر شاخص های کمی انتشار مانند تیراژ و صفحه و ... وضعیت موجود و سیر تحول دهه اخیر را نشان می دهند.

**مفاهیم کلیدی:** علوم اجتماعی ایران، علم سنجی، زیست بوم علم، تولید علم، تولید و نشر کتاب، ابعاد اجتماعی تولید دانش.

## بیان مساله

امروزه علوم اجتماعی در ایران در معرض اتهام کم کاری در تولید علم و عدم هماهنگی با نیازهای ملی قرار گرفته است. به گونه ای که در همایش سالانه انجمن جامعه شناسی ایران در اردیبهشت سال 1387 (همایش کنکاشهای نظری و مفهومی درباره جامعه ایران) برخی از سخنرانان و صاحبان مقالات از این مسأله به «بحران

در علوم اجتماعی ایران» یادکردند. این نقدها که البته مبارک و میمون بوده و موجب خوداندیشی در بین کنشگران علوم اجتماعی می‌شود از زوایای مختلف طرح می‌شود: ناکارآمدی، ترجمه‌ای و اقتباسی بودن، مسأله محور نبودن، سهم اندک در تولید علم و ...

در این میان، نگارنده معتقد است دو نکته را باید مدنظر قرار داد: نخست اینکه در فقدان هر گونه شاخص دقیق و داده عینی، داوری و قضاوت در این خصوص را می‌بایست به تعویق انداخت تا مطالعه جامعی پیرامون اثرات و پیامدهای علوم اجتماعی در ایران صورت پذیرد و دوم - شایسته است که علوم اجتماعی با همگان خود یعنی سایر «گروه رشته‌های» موجود و فعال در ایران مقایسه شود تا امکان یک داوری منصفانه فراهم شود زیرا مقایسه علم در یک کشور در حال توسعه با مرزهای جهانی آن تنها یک جنبه از عقب‌ماندگی را بازنمایی می‌کند.

از نظر مشارکت در تولید علم جهانی، سهم علوم اجتماعی ایران اندک اما در حال رشد است. آمار مقالات علوم اجتماعی ایران در پایگاه WOS برای سالهای 2000 تا 2010، 2835 عنوان مقاله از کل مجموع 73026 ایرانی بوده است. هم چنین در این مقطع ده ساله تعداد مقالات علوم اجتماعی، علوم انسانی و هنر در پایگاه Scopus، 5391 عنوان مقاله و در کل حوزه‌های موضوعی 96902 عنوان مقاله به ایران تعلق داشته است (Thomson, 2010).

در سال 2007 سهم مقالات ISI علوم اجتماعی ایران 391 مقاله بوده است که نسبت به سال قبل از آن دو رتبه جهش داشته است و در سال 2008 سه رتبه بهبود یافته است. بر این مبنا همان گونه که در سایر رشته‌ها جهش در تعداد مقالات بین‌المللی مشاهده می‌شود در این حوزه نیز نسبت به شرایط گذشته این پیشرفت کاملاً مشهود است. البته در ارتباط با رشته شیمی این جهش در ده سال گذشته وضعیت متفاوتی را تجربه کرده است و بدلیل موقعیت عملی که برای این رشته فراهم شده است سهم این رشته از مقالات ISI ایران 30٪ است<sup>1</sup>.

در ارتباط با مقالات علمی - پژوهشی داخلی اوضاع به کلی متفاوت است به گونه‌ای که بنابه گزارش مسئول نمایه استنادی علوم ایران (ISCI) از مجموع 63500 مقاله نمایه شده پنجاه در صد آن در حوزه علوم انسانی است. این رکوردار بودن در انتشار مجلات علمی نیز صادق است. از مجموع 399 نشریه علمی مصوب تعداد

---

<sup>1</sup> - همان طور که می‌دانید کشور ایران کشور شیمی و مواد معدنی است. از این رو پس از آنالیز این مواد گزارشاتی تهیه می‌شود که دلیل منحصر بفرد بودن این مواد، مجلات علمی از چاپ آنها استقبال می‌کنند. از سویی نمایه ISI توسط شیمیدانان و برای معرفی مقالات این حوزه تأسیس شده است و مقالات این حوزه با سهولت بیشتری در این نمایه درج می‌شوند. علاوه بر اینها در کشور ما عده‌ای از استادان برجسته شیمی تصمیم گرفته‌اند که بجای کمک به تولید مواد پایه و یا ثبت اختراع، نتایج مقالات خود را در مجلات ISI منتشر نمایند و معمولاً به مقالات همدیگر ارجاع می‌دهند که همین موضوع موجب بالاترین سطح ارجاعات مقالات این گروه شده است.

152 عنوان آن معادل 38 درصد به علوم انسانی تعلق دارد. در حالی که در کشورهای پیشرفته نشریات علوم پزشکی در این زمینه رکورددار هستند، در ایران سهم نشریات علوم انسانی از سایر گروه رشته‌ها بیشتر است. همان گونه که ملاحظه می‌شود تولید علوم اجتماعی در ایران با فراز و فرودهایی مواجه بوده و با چندسال تأخیر نسبت به سایر گروه رشته‌ها مرحله رشد کمی مقالات بین‌المللی خود را آغاز نموده است. از این حیث نوعی هم تطوری و انطباق با سایر شاخه‌های علمی مشاهده می‌شود. از سوی دیگر گرایش علوم انسانی به سوی تولید مقالات و مجلات داخلی بوده و در این شاخص پیشتاز است. حال پرسش این است که در حوزه تولید کتاب نیز وضع به همین منوال است؟ در این حوزه علوم اجتماعی نسبت به هم‌تایان خود چه وضعی دارد؟

فرضیه مقاله حاضر این است که نوعی هم تطوری<sup>1</sup> در رشد کمی علم در ایران قابل مشاهده است و افت و خیزها و گسست‌ها و عدم تعادل‌هایی که در علوم انسانی قابل مشاهده است با ملاحظه شاخص‌های دیگر در سایر رشته‌ها هم وجود دارد.

(رشته شیمی در این میان وضعیت استثنایی دارد و از یک موقعیت محلی<sup>2</sup> بهره‌جسته است). از سویی الگوی رشد و توسعه علم در همه رشته‌ها یکسان نیست و از اصل تنوع<sup>3</sup> پیروی می‌کند و نمی‌توان با یک شاخص واحد موقعیت علوم اجتماعی را در قیاس با دیگران ارزشیابی کرد.

کاوش در وضعیت تولید و انتشار کتاب در ایران در دهه گذشته بسیاری از ابهامات را در این زمینه پاسخ می‌دهد. هدف مقاله حاضر این است با تأکید بر مؤلفه انتشار کتاب و با بهره‌گیری از رویکرد علم‌سنجی امکانی فراهم شود تا با تمسک به شاخص‌های عینی موقعیت علوم اجتماعی در ایران را به داوری بنشینیم. مهمترین سوالات این مطالعه عبارتند از:

- سیر تحول تولید علوم اجتماعی در دهه گذشته بر مبنای الگوی تولید کتاب چگونه است؟
- تولید و انتشار علوم اجتماعی در ایران عمدتاً ترجمه‌ای است یا تألیفی؟
- چه میزان تولیدات این حوزه جدید و چاپ اول است؟
- الگوی انتشار کتاب در حوزه علوم اجتماعی بیشتر آکادمیک است یا ریشه در بیرون از دانشگاه دارد؟
- علوم اجتماعی در ایران مردانه است یا زنانه؟
- علوم اجتماعی در ایران تهرانی است یا شهرستانی؟
- از نظر کمی تولید و انتشار علوم اجتماعی در ایران چه وضعیتی دارد؟
- در کلیه پارامترهای یادشده وضعیت علوم اجتماعی در مقایسه با سایر حوزه‌های علمی چگونه است؟

---

<sup>1</sup>Co-evolution

<sup>2</sup> Locality

<sup>3</sup> diversity

## آموزه های نظری:

اهمیت و جایگاه انتشارات علمی در بالندگی علم و اجتماعات علمی به نحو روز افزونی روبه گسترش است. امروزه فشار برای نوآوری و تبدیل علم به رشد اجتماعی هم از سوی نهاد سیاست و هم نهاد اقتصاد بارزتر شده است. به اعتقاد برخی محققان حمایت مردمی و سیاسی از علم هم با این فشارها و نظارتها مرتبط است (Carry, 1992) در ادبیات جامعه‌شناسی علم نیز شاید برای نخستین بار رابرت مرتون بر اهمیت هنجارهای علمی و الزامات نهادی انگشت نهاد. وی با برشمردن خصیصهٔ اجتماع گرایی<sup>۱</sup> به عنوان یکی از هنجارهای چهارگانه دانشمندان، علم راملک مشاع بشری دانست. به این معنا که بلوغ علم با خست و پنهانکاری در تضاد است و دانشمند باید سعی کند دانسته‌های خود را در اختیار جامعه و دیگر محققان قرار دهد.

میشل مولکی معتقد است که ساختار هنجاری، ویژگی اصلی اجتماع علمی است و از زمرهٔ آنها خصیصهٔ اجتماع گرایی است. به نظر وی اگر اختفاء و سرقت فکری و روشنفکرانه تاحدی در علم وجود داشته باشد و هنجار اجتماع گرایی راهنمای مؤثر علم یا کنش اجتماعی نباشد، آنگاه این احتمال می‌رود که گسترش یکنواخت و بیطرفانهٔ دانش معتبر دچار وقفه شود (مولکی، 1991: 49) لازمهٔ اجتماع گرایی انتشار است. امری که کارکرد آن به تعبیر مولکی گسترش یکنواخت و بیطرفانهٔ دانش است.

از دیگر آموزه های جامعه‌شناسان علم در این زمینه، نظرات هگستروم<sup>۲</sup> است که در زمینهٔ انگیزشهای دانشمندان کار کرده است. او این نکتهٔ مرتون را پذیرفت که انگیزهٔ بارز دانشمندان علوم میل به تأیید شدن از جانب هم‌تایشان است. او بیان داشت که برای رسیدن به این هدف، دانشمندان «پاداش‌ها»یی را به اجتماع علمی به شکل اطلاعات قابل انتشار عرضه می‌کنند. با این نوع «اعطای پاداش» مقام درجهٔ اول حاصل می‌شود. (گلوور، استرابریج و توکل، 1985: 80)

رنالد کالینز به گونه‌ای دیگر اهمیت انتشارات در اجتماع علمی را بازنمایی می‌کند. وی معتقد است که دنیای تفکر شامل زنجیره‌ای از شعائر تعامل<sup>۳</sup> است که در دوره های زمانی متناوب و در چشم‌انداز و جریان اشیاء مقدس – ایده‌ها و متونی که محصول همین شعائر هستند – صورت می‌گیرند. استدلال و سخنرانی کردن و

---

<sup>1</sup> Communalty

<sup>2</sup> W.O.Hagstrom

<sup>3</sup> Interaction Ritual Chains

نوشتن و خواندن بخشی از شعائر تعامل است. درجهان مدرن، متفکران خلاقیت خود را روی کاغذ می آزمایند. اگرچه گاهی آن را شفاهی ارائه می دهند. منتشر کردن، متفکران را از تنهایی خارج می کند و به عرصه عمومی می کشاند. متفکران واقعاً زمانی وارد واقعیت علم شده اند که در نظام ارجاع دهی مجلات و کتب جایی برای خود بیابند. نوشتن افراد را قادر می سازد تا از حال بی واسطه فراتر روند. نوشتن دروازه ای به سوی انتزاع و تعمیم یافتن است و به افراد انرژی عاطفی<sup>۱</sup> می دهد. (شارع پور و فاضلی 40: 1386)

جایگاه نشر را هم چنین با استفاده از مفاهیمی که بوردیو به کار می برد می توان توضیح داد. زیرا انتشار از سویی ذخیره انواع سرمایه (اجتماعی، فرهنگی، نمادین، اقتصادی) را غنی می کند و از سوی دیگر ابزاری برای منازعه رقابتی در میدان علم و اثبات شایستگی علمی است. (نگاه کنید به : Bourdieu, 1991: p. 31-36) از نظر وایتلی<sup>۲</sup> نیز دو مفهوم کلیدی ساختار اجتماع علمی را شکل می دهد. نخست مفهوم حوزه فکری است که به نظر وی یک واحد وسیع تولید و هماهنگ سازی دانش است. (شارع پور و فاضلی، 27: 1386) در این بخش انتشارات به عنوان سبکی از تولید علم در ساختمان اصلی آن نقش آفرینی می کند. دوم این نکته است که بنیاد نظم در اجتماع علمی شهرت است. از همین رو وی علم را «نظام مبتنی بر شهرت»<sup>۳</sup> می خواند. (همان مأخذ) نقش مهم انتشارات در تولید شهرت انکارناپذیر است.

در سطح عملی نیز انتشار کتاب و مقاله یکی از مهم ترین مؤلفه های سنجش عملکرد پژوهشگران است. دو پژوهشگر در سال 1991 توانستند با تعریف شاخصی مرکب از: کمیت بازده مکتوب، کیفیت بازده مکتوب و خلاقیت عملکرد، مدلی را برای سنجش عملکرد پژوهشگران تدوین و ارائه کنند. گرسبرگ می گوید چون محصول یک آزمایشگاه پژوهشی ایده است و مهمترین راه مبادله و انتقال ایده نیز از طریق گفتار و نوشتار است، طبیعی است که انتظار داشته باشیم ضریب همبستگی بین ارزش یک محقق برای یک سازمان و فراوانی مبادله و انتقال ایده هایش بالا باشد (شرلی ادواردز و مک کری 52: 1991). یکی از کاملترین مطالعات انجام شده در مورد سنجه بازده مکتوب توسط شاو<sup>۴</sup> صورت گرفته است. وی ارزش کارهای چاپ شده را بین تعداد نویسندگان تقسیم کرد تا ارزش نویسنده را بدست آورد و به یک امتیاز کیفی برای هر مقاله یا کتاب برسد. شاو دریافت که امتیاز آثار مکتوب مساوی ارزش و اعتبار نویسنده برای هر مقاله با کیفیت x است. کل امتیاز کتابها و مقالات برای هر محقق به تعداد سالها تقسیم می شد تا ارزش هر سال به دست آید. کارتر (Cartter

---

<sup>1</sup> Emotional Energy

<sup>2</sup> Whitley

<sup>3</sup> Reputational System

<sup>4</sup> Shaw. B.T

(A.M.) یک کتاب نظری یا پژوهشی را معادل 6 مقاله، کتاب مرجع را معادل 3 مقاله و یک مجموعه تألیفی را معادل 2 مقاله به حساب می‌آورد. (همان مأخذ)

از نظر تعریف عملیاتی سازوکار انتشار به مفهوم در دسترس همگانی قراردادن اطلاعات و ایده‌ها بوده و هم اکنون به دو صورت عرضه در محیطهای مجازی و چاپ به صورت کتبی همراه با درج در نمایه‌های معتبر و در مورد کتاب برخورداری از کد بین‌المللی (ISBN) مطرح است.

به لحاظ اینکه علم یک اندامواره زنده است و «زندگی علم» شباهت‌های بسیاری با زندگی طبیعی دارد، نظریه «زیست بوم شناختی علم» نیز می‌تواند استعاره‌ها و مفاهیم قوی برای توضیح رشد علم را در اختیار محققان قرار دهد. نظریه اجتماعی سبز در دوره جدید خود تلاش کرده است تا از گرایش‌های جبرگرایانه (دترمینیسم موجود در محیط زیست گرایی) تا حدودی دوری کند و برای اراده انسانی و دخالت او در زیست بوم اعتبار قائل شود. بنابراین به تعبیر جان‌بری نظریه‌های اجتماعی جدید سبز معمولاً روایت مثبتی از فطرت انسان دارند و براهمیت پرورش و محیط زیست اجتماعی در توضیح رفتار آدمیان تأکید می‌کنند (جان‌بری 1382: 273) عباس حرّی (1383) توانسته است از رویکرد بوم شناختی در زمینه اطلاع رسانی و تبیین پدیده اکولوژی اطلاعاتی سود جوید. به نظر نگارنده زیست بوم علم، سیستمی از مردم، فعالیتها، ارزش، دانش و فناوری‌ها در محیط محلی خاص است. در رویکرد زیست بومی به زندگی علم و نحوه رشد آن از مفاهیم زیر می‌توان کمک گرفت:

**1- روابط درون سیستمی:** زیست بوم علم مجموعه‌ای از اجزاء و روابط متقابل بسیار قوی و استوار میان آنها و نیز وابستگی اجزاء به یکدیگر است به گونه‌ای که هرگاه جزیی از این سیستم تغییر کند. کلیت سیستم را تحت تأثیر قرار خواهد داد. از این حیث رویکرد زیست بوم شناختی به رویکرد کارکردی - سیستمی بسیار نزدیک می‌شود.

زیست بوم علم در قالب شبکه‌ای از زیست بوم‌هاست که ابتدائاً حالت محلی<sup>۱</sup> داشته و با یکدیگر داد و ستد دارند. شرط قرار گرفتن در شبکه کلان آن است که به درک زیست بوم محلی و بومی خود نائل آمده باشیم تا بتوانیم گروهی پویا از آن شبکه باشیم.

شبکه زیست بوم علم متشکل از اکوسیستم‌های وابسته به یکدیگر است که به مثابه گره<sup>۲</sup> های ارتباطی عمل می‌کنند. این اجزاء به یکدیگر وابستگی شدید دارند.

**2- هم - تطوری :** بوم فکری با بوم اجتماعی، بوم فرهنگی، بوم معیشتی، در هم تنیده است. منظور از هم تطوری، هم تحولی کلیه عناصر و شئون فکری، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فنی است. بین پویایی و پایداری در زیست بوم علم تقابل مستمر است و ریشه تحول علم را در همین تقابل‌ها می‌توان جستجو کرد. نوآوری‌های جدید در تطور روشها، فنآوریها، فعالیتها و ابزارها نقش آفرینی می‌کند. چنین تحول همپا و همسویی زمانی رخ می‌دهد که تمام اجزاء به مثابه عناصر متشکله زیست بوم در آن سهیم باشند. البته هم چنانکه تکامل و تطور دیده می‌شود، ثبات همگونی و یکپارچگی نیز در زیست بوم‌ها دیده می‌شود. اگر پیوستگی متقابل و تطور همسو و همپا را از طریق جریان هم کنش درک نکنیم، رشد حاشیه‌ای در یک زمینه علمی خاص جز ایجاد «اکوسیستم گلخانه‌ای» نخواهد بود. اکوسیستم گلخانه‌ای اکوسیستمی است که جدای از محیط واقعی اکولوژیکی به حیات خود ادامه می‌دهد، اما هیچ‌گاه با اکوسیستم اصلی پیوند نمی‌یابد و هرگاه مرزهای گلخانه‌ای را از میان برداریم و عناصر گلخانه‌ای را با محیط واقعی روبرو کنیم مورد پذیرش اکولوژی قرار نخواهند گرفت و بی‌آنکه تأثیری بر نظام اکولوژیکی بگذارند از میان خواهند رفت (حرّی، عباس، 11: 1383)

**3- تنوع:** زیست بوم علم دارای خصیصه تنوع است و گونه‌های متفاوتی با الگوهای زیست متفاوت را در خود جای می‌دهد. تنوع اندیشه‌ها، روشها، سازمان‌ها و بازیگران و حتی تنوع الگوی رشد و توسعه در هر شاخه علمی امری پذیرفتنی است. همانگونه که در زیست بوم طبیعی ده نوع پرنده، ده نوع الگوی تغذیه، پرواز و تولید مثل و آشیان سازی دارند.

---

<sup>1</sup> Locality

<sup>2</sup> node

4- **گونه‌های کلیدی**<sup>1</sup>: گونه کلیدی در بقا و غنای زیست بوم سهم عمده‌ای دارد. ممکن است این نقش از طریق میانجی‌گری یا تسهیل‌کنندگی برای ایفای کارکرد سایر گونه‌ها باشد. با این وصف از آنجا که علوم اجتماعی و انسانی بین زیست بوم علم و محیط بیرون و انسان‌ها و فناوریها، میانجی‌گری و تسهیل‌گری و ظرفیت‌سازی می‌کند می‌تواند گونه‌ای کلیدی فرض شود.

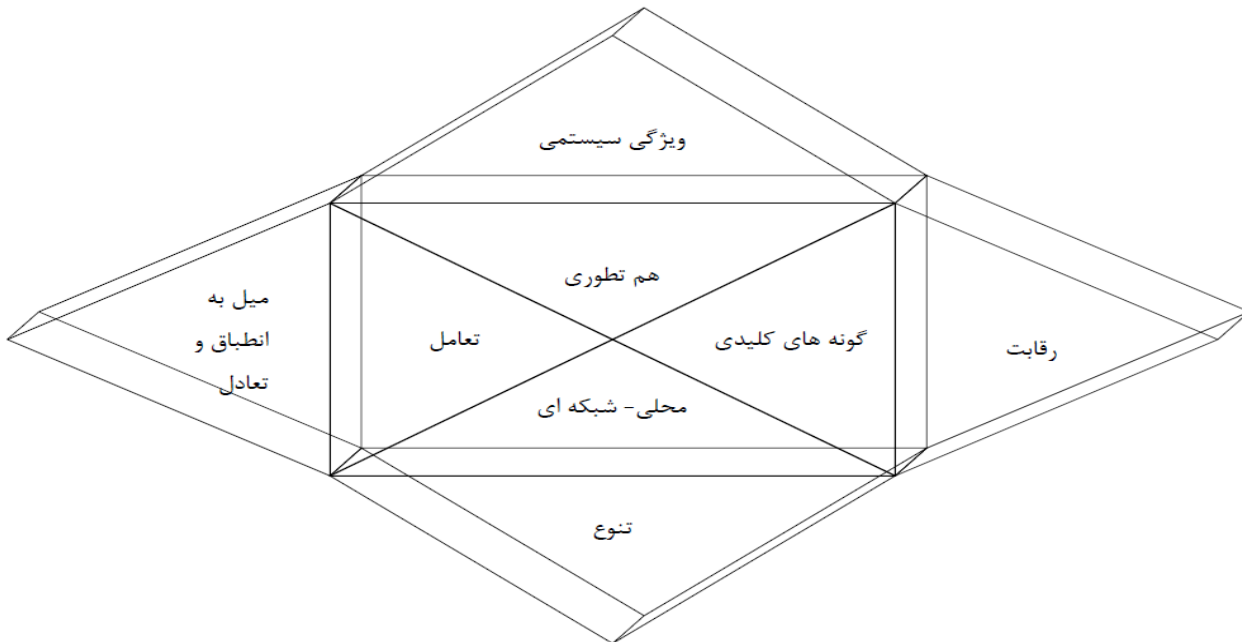
5- **تعلق به محل**: ابزار یا فناوری واحدی ممکن است در اکوسیستم‌های گوناگون کاربردهای مختلفی را سبب شود و به همین اعتبار آن را با همان نام یا کاربرد بشناسند. گاهی برای یک اکوسیستم یک فرصت محلی رخ می‌دهد تا تغییراتی در آن رخ دهد. هر نوآوری نیز در هر سیستم فرعی امکان‌سازگاری پیدا نمی‌کند. دیگر مفاهیم رویکرد زیست بوم شناختی عبارتند از رقابت گونه‌ها با یکدیگر و میل به انطباق و تعادل و ویژگی محلی و شبکه‌ای داشتن.

در شکل (1) ارکان و اجزای هشت‌گانه رویکرد بوم‌شناختی به علم درج شده است. این شکل ساختار کلان مفهومی رویکرد زیست بومی را بازنمایی می‌کند. نقطه مرکزی و محوری این چارچوب مفهومی که در بیشتر اجزا مشاهده می‌شود، برخورداری زیست بوم از خصیصه‌ی تعامل بالا و ارتباط است. ویژگی اصلی که پایداری و پویایی سیستم را تضمین می‌کند.

---

<sup>1</sup> Key- Stone Species

## شکل (1) - ارکان و اجزای رویکرد بوم شناختی به علم



### روش شناسی

این مطالعه رویکردی زیست بوم شناختی به علم دارد. روش مطالعه نیز روش علم سنجی است. علم سنجی یا نقشه علمی باز نمودن دو بعدی یا سه بعدی حوزه خاصی از علم بر اساس انتشارات علمی است. علاوه بر آن در رویکرد علم سنجی تجزیه و تحلیل نقشه دانش یک حوزه، علاوه بر تکنیک های ترسیم اطلاعات می تواند شامل موضوع های گوناگون مثل تجزیه و تحلیل شبکه، زبان شناسی، استخراج مفاهیم و موضوعات، تحلیل استنادی و شاخص های علم و فناوری آن حوزه باشد. (محمدی، احسان، 1387، به نقل از بویاک، 2004)

جان برنال<sup>1</sup> یکی از مشهورترین فیزیک دانان جهان، تاریخ نگار و جامعه شناس علم در سال 1939 یکی از اولین نقشه های علم جهان را ترسیم کرد. پس از او دویله در سال 1961 با تاکید بر نقش رایانه در ترسیم نقشه های علمی، چگونگی ساخت و ترسیم این نوع نقشه ها را برای ایجاد تصویر بزرگی از حوزه های جامع علمی پیشنهاد داد. نويز در تعريف نقشه های علمی اعتقاد دارد که نقشه کتابسنجی (علمی) نمایی است از حوزه های علمی که با تجزیه و تحلیل کمی اطلاعات کتابشناختی تهیه می شود (محمدی، احسان، 1387).

<sup>1</sup> John Bernal

شاید بتوان نخستین آثار در این زمینه را به سولاپرایس<sup>۱</sup> در دهه شصت میلادی متعلق دانست که با ابداع اصطلاح علم علم<sup>۲</sup> تلاش کرد با تحلیل آمار انتشارات علمی، قوانین توسعه علمی را کشف کند. از آنجا که تحقیقات علمی پر هزینه است تصمیم گیران برای ارزیابی تحقیقات از علم سنجی استفاده می کنند. بدین ترتیب که نتایج حاصل از تحقیقات بر روی اقتصاد جامعه را با هزینه های لازم مورد سنجش قرار می دهند و به شناسایی بخش هایی می پردازند که فواید بیشتری داشته و یا اینکه استحقاق آن را دارند که بیشتر از آنها پشتیبانی به عمل آید. دیگر آنکه علم سنجی نقش پویا سازی تکنولوژی را بازی می نماید. یعنی اینکه مشخص می کند که کدامیک از بخش های علمی و تکنیکی از توسعه زیادی برخوردار بوده و یا اینکه چه بخش هایی اولویت دارند. هدف این است که برداشتی از کل داشته باشیم بدون اینکه بخواهیم فعالیت علمی هزینه بر و طولانی مدتی انجام دهیم. (خسرو خاور، فرهاد، 1388)

در مطالعه حاضر داده های آماری دوره ده ساله 1378-1388 متکی به اسناد آماری موجود در خانه کتاب ایران مورد استفاده قرار گرفت. در کنار آن از آمارهای تکمیلی مانند آمار مقالات ISI و ISC و تعداد عناوین نشریات نیز بهره گرفته شده است.

## یافته ها

### 1- موقعیت کلی تولید کتاب در حوزه علوم اجتماعی

در سال 1388، تعداد 9041 عنوان کتاب در حوزه علوم اجتماعی تولید و منتشر شده است که معادل 14/9 درصد کل تولیدات می باشد. از نظر کمی میزان تولید علم در این حوزه در رتبه سوم یعنی پس از ادبیات و دین قرار دارد. ضمن آنکه حوزه های ادبیات و دین از نظر تنوع موضوعی بسیار گسترده تر از علوم اجتماعی هستند و فراگیری مخاطب آنها هم عمومی تر است.

---

<sup>1</sup> *solla price*

<sup>2</sup> *science of science*

جدول 1. تعداد کتب ترجمه و تألیف شده طی سالهای 1378 تا 1388

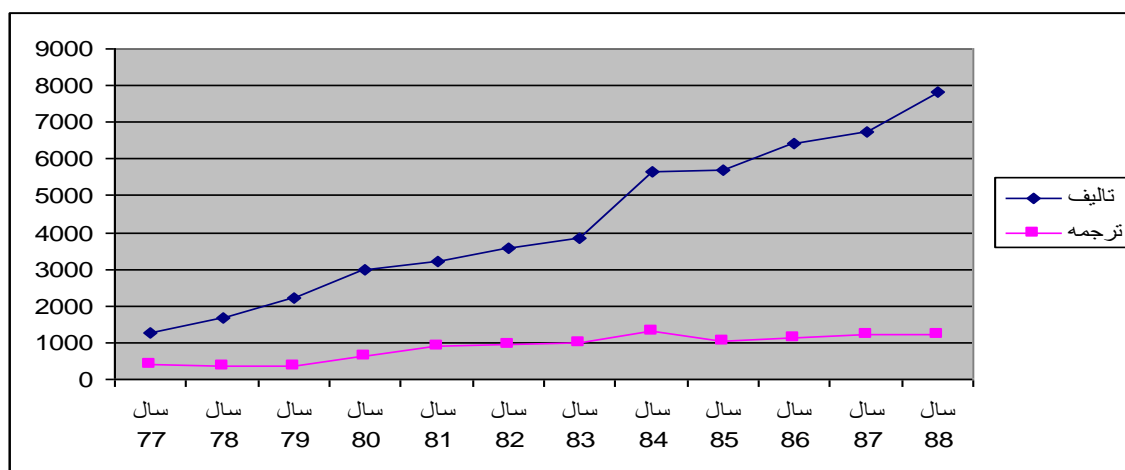
درصد رشد یک دهه	مقایسه تألیف در یک دهه		تألیف 88	ترجمه 88	جمع 88	تألیف 78	ترجمه 78	جمع 78	موضوع
	درصد تألیف از کل 88	درصد تألیف از کل 78							
198.8	76.1	63.7	1514	476	1,990	424	242	666	کلیات
283.29	52.5	51.1	1458	1317	2,775	370	354	724	فلسفه
108.59	85.7	84.1	8702	1448	10,150	4092	774	4866	دین
347.13	86.5	82.4	7817	1224	9,041	1666	356	2022	علوم اجتماعی
109.18	94.3	95	3909	221	3,830	1740	91	1831	زبان
166.61	87.2	83.5	5608	820	6,428	2013	398	2411	علوم طبیعی
243.91	73.2	62.5	6545	2400	8,945	1626	975	2601	علوم عملی
150.87	69.5	68.9	1607	706	2,313	635	287	922	هنر
177.57	78.8	80.6	9426	2543	11,969	3474	838	4312	ادبیات
184.03	86.4	86.2	2691	422	3,113	945	151	1096	تاریخ و جغرافیا
182.29	80.9	79.2	48977	11577	60,554	16985	4466	21451	جمع

مطابق داده‌های جدول (1) چنانچه 50٪ کتب رده موضوعی کلیات (دائرةالمعارف‌ها، علوم کتابداری و ...) را زیرمجموعه علوم انسانی بدانیم و 50٪ تولیدات علوم عملی را نیز مربوط به رشته‌های مختلف مدیریت و اقتصاد تخمین بزنیم، جمع تولیدات علوم انسانی و هنر به حدود 80٪ کل تولیدات کتاب می‌رسد که آماری بسیار بالاست. این یافته نشان می‌دهد در قلمرو علوم انسانی الگوی اصلی تولید علم، تولید کتاب است و از نظر این شاخص در مقایسه با سایر رشته‌های علمی وضعیت مطلوبی داریم. نرخ رشد کتب علوم اجتماعی در دهه اخیر 347 درصد و بالاترین نرخ رشد در بین همه شاخه های علمی بوده است. فلسفه و علوم عملی در رتبه های دوم و سوم قرار دارند. این مسأله بیانگر اصل تنوع در زیست بوم علم است به این معنا که نحوه تولید و زیست علوم انسانی براساس الگوی کتاب است نه مقاله ISI. هرچند در برخی رشته‌ها مانند شیمی این الگو متفاوت است. به هر حال اصل تنوع در این زمینه کاملاً مشهود است. از طرفی رشد کمی کتب علوم اجتماعی در این جدول با رشد کمی سایر رشته‌ها همزاد و همراه است. (رشد یک تا سه و نیم برابر) این مسأله نیز پدیده "هم تطوری" را در زیست بوم علم بازنمایی می‌کند.

جدول (1) همچنین نشان می‌دهد تعداد کتب تألیفی در سال 88 نسبت به سال 78، به میزان 4/1 درصد رشد داشته است.

در نمودار (1) می‌توان وضعیت رشد تدریجی تألیف و ترجمه کتاب‌های علوم اجتماعی را در طول یک دهه مشاهده نمود. منحنی رشد کتب تألیفی علوم اجتماعی در مقایسه با ترجمه وضعیت بهتری دارد. از نظر تألیفی بودن الگوی تولید، علوم اجتماعی پس از زبان و علوم طبیعی در رتبه سوم قرار دارد. افت میزان تولید کتب علوم اجتماعی در سال 1384 احتمالاً ممکن است به دلیل تغییر دولت و در نتیجه تغییر سیاست‌های اداره کتاب وزارت ارشاد اسلامی باشد.

نمودار 1. مقایسه وضعیت کتب تألیفی و ترجمه علوم اجتماعی 78 تا 88



## 2- میزان تهرانی - شهرستانی بودن علوم اجتماعی

علوم اجتماعی از نظر تهرانی بودن (مرکزگرایی) و عدم توزیع عادلانه تولید کتاب در سطح کشور در سال 78 در رتبه چهارم قرار داشته امادر سال 88 نسبت به سال 78 به میزان نزدیک به یک درصد مرکزگرایی آن کمتر شده است. این میزان اندک بهبود مرکزگرایی کم و بیش در همه رشته‌ها مشاهده می‌شود که بیانگر هم تطوری فرآیند تولید علم در کشور است. هم اکنون تنها حدود 8 درصد کتب علوم اجتماعی در شهرستانها منتشر می‌شوند. هر چند نویسندگان شهرستانی نیز غالباً آثار خود را در تهران منتشر می‌کنند اما ضعف بنگاه‌های تولید و نشر کتاب در شهرستانها می‌تواند یکی از علل آن باشد که شایسته توجه است.

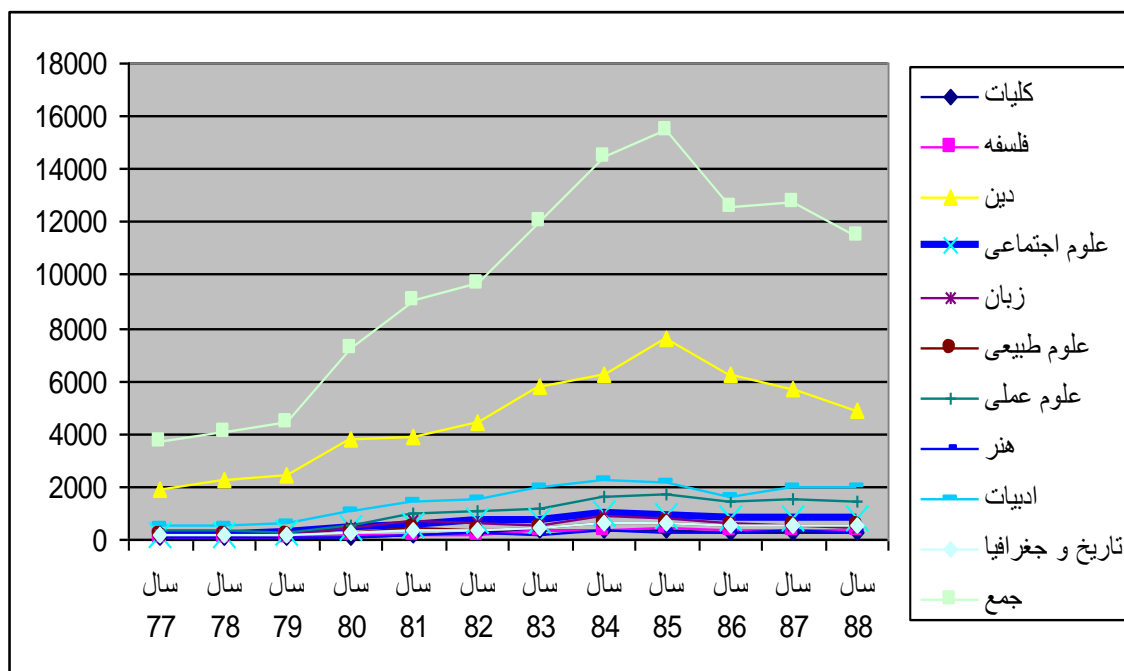


جدول 2. کتب منتشر شده بر حسب تهران و شهرستان -مقایسه سال 78 و 88

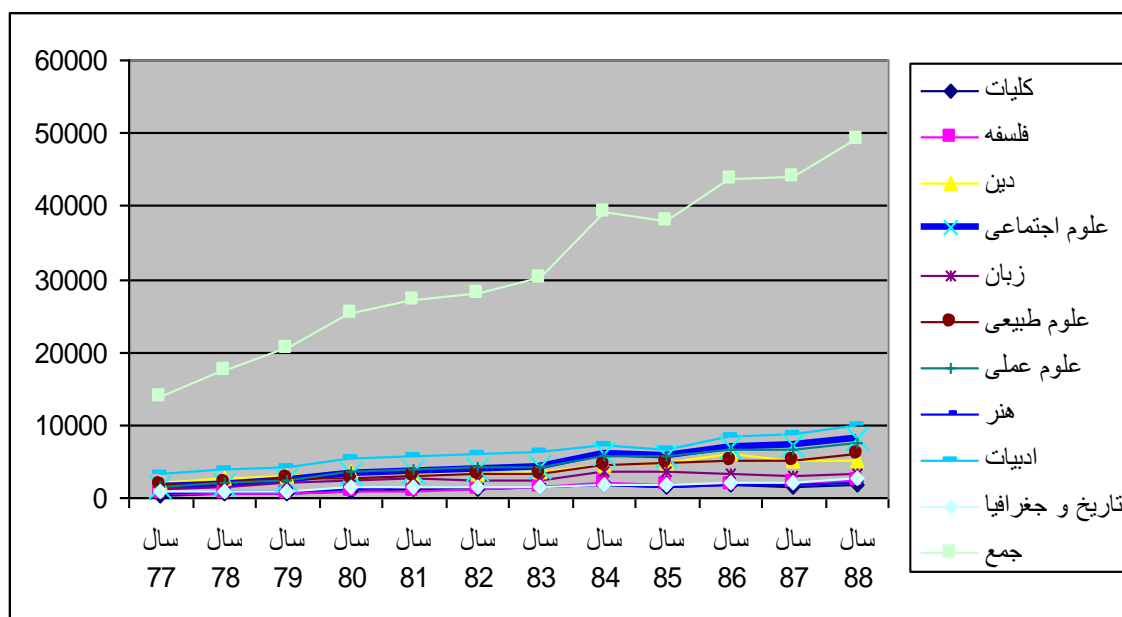
موضوع	جمع	تهران	شهرستان	درصد تهران به کل 78	درصد تهران به کل 88	نرخ رشد
کلیات	1,990	1,750	240	92.8	87.9	-5.3
فلسفه	2,775	2,399	376	88.3	86.5	-2
دین	10,150	5,236	4,914	54	51.6	-4.4
علوم اجتماعی	9,041	8,248	793	91.9	91.2	0.8-
زبان	3,830	3,344	486	88.8	87.3	-1.7
علوم طبیعی	6,428	5,912	516	93.2	92	-1.3
علوم عملی	8,945	7,528	1,417	85	84.2	-0.9
هنر	2,313	2,082	231	93.6	90	-3.8
ادبیات	11,969	9,996	1,973	87.7	83.5	-4.8
تاریخ و جغرافیا	3,113	2,575	538	83.1	82.7	-0.5
جمع	60,554	49,070	11,484	81	81	0

نمودار 2 و 3 سیر تحول کتب منتشر شده در شهرستانها و تهران را طی سالهای 78 تا 88 نشان می‌دهد.

نمودار 2. کتب منتشر شده در شهرستان در سالهای 78 تا 88



### نمودار 3. کتب منتشر شده در تهران در سالهای 78 تا 88



### 3- تولید چاپ اول و تجدید چاپ

تولید کتاب چاپ اول نشانه فعال بودن نویسندگان و تجدید چاپ آن نشانه فعال بودن خوانندگان و بنگاههای نشر و جذاب بودن تولیدات است. بنابراین هر دو مؤلفه مثبت تلقی می‌شوند. همانگونه که در جدول شماره 3 مشاهده می‌شود میزان تولید کتاب چاپ اول علوم اجتماعی در دهه 78-88 به میزان 27 درصد رشد منفی داشته است. در عوض تجدید چاپ کتابهای قدیمی رونق گرفته است. افت این شاخص در علوم اجتماعی از سایر شاخه‌ها بیشتر بوده است. موشکافی این مسأله نیازمند مطالعه است. آیا این مشکل مربوط به کاهش حمایت دولت بوده است یا کم کاری نویسندگان یا مشکلات ناشرین یا مشکل توزیع و فروش یا .....؟

جدول 3. کتب منتشر شده بر حسب چاپ اول و تجدید چاپ و مقایسه سال 78 و 88

موضوع	جمع	چاپ اول	تجدید چاپ	درصد چاپ اول از کل 78	درصد چاپ اول از کل 88	نرخ رشد
کلیات	1,990	924	1,066	50.5	46.4	-8.1
فلسفه	2,775	1,219	1,556	52.3	43.9	-16
دین	10,150	4,847	5,303	51.6	47.8	-7.4
علوم اجتماعی	9,041	3,597	5,444	54.4	39.8	-27
زبان	3,830	1,555	2,275	47	40.6	-14
علوم طبیعی	6,428	2,221	4,207	45	34.6	-23
علوم عملی	8,945	5,192	3,753	62.3	58	-6.9
هنر	2,313	1,231	1,082	51.7	53.2	2.9
ادبیات	11,969	6,276	5,693	62.6	52.4	-16
تاریخ و جغرافیا	3,113	1,660	1,453	60.9	53.3	-12
جمع	60,554	28,722	31,832	54.7	47.4	-13

#### 4- شاخص‌های کمی انتشار (تیراژ - صفحه)

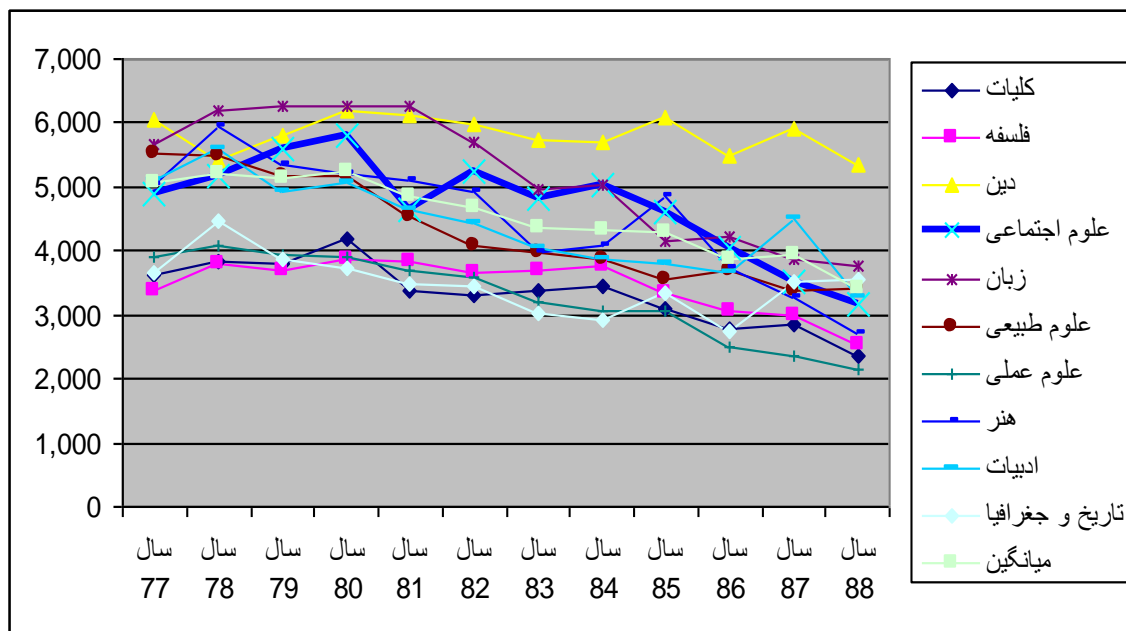
جدول شماره 4 وضعیت تیراژ متوسط کتاب را در دو مقطع 78 و 88 با هم مقایسه می‌کند. به جز حوزه دین که به دلیل حمایت‌های دولتی در این شاخص افت زیادی را تجربه نکرده است در بقیه حوزه‌ها این افت چشمگیر قابل مشاهده است. در حوزه علوم اجتماعی 39 درصد افت تیراژ متوسط کتاب تأسف‌برانگیز است. هر چند از نظر عنوان کتب منتشره رشدی بیش از چهار برابر تجربه شده است. این مشکل را باید در ضعف فرهنگ کتابخوانی و ضعف حمایت‌های دولت از این گونه فعالیتها یا رقابتی نبودن این عرصه جستجو کرد.

جدول 4. کتب منتشر شده بر حسب تیراژ متوسط مقایسه سال 78 و 88

موضوع	عنوان 78	عنوان 88	تیراژ متوسط 78	تیراژ متوسط 88	نرخ رشد
کلیات	666	1,990	3,827	2,345	-39
فلسفه	724	2,775	3,794	2,524	-33
دین	4,866	10,150	5,413	5,357	-1
علوم اجتماعی	2,022	9,041	5,163	3,175	-39
زبان	1,831	3,830	6,205	3,767	-39
علوم طبیعی	2,411	6,428	5,474	3,407	-38
علوم عملی	2,601	8,945	4,072	2,158	-47
هنر	922	2,313	5,940	2,708	-54
ادبیات	4,312	11,969	5,593	3,272	-41
تاریخ و جغرافیا	1,096	3,113	4,468	3,564	-20
میانگین	21,451	60,554	5,208	3,417	-34

در نمودار زیر سیر نزولی متوسط تیراژ به عنوان یک شاخص مهم بین‌المللی در حوزه نشر مشاهده می‌شود.

نمودار 4. سیر افت متوسط تیراژ در دهه 78-88

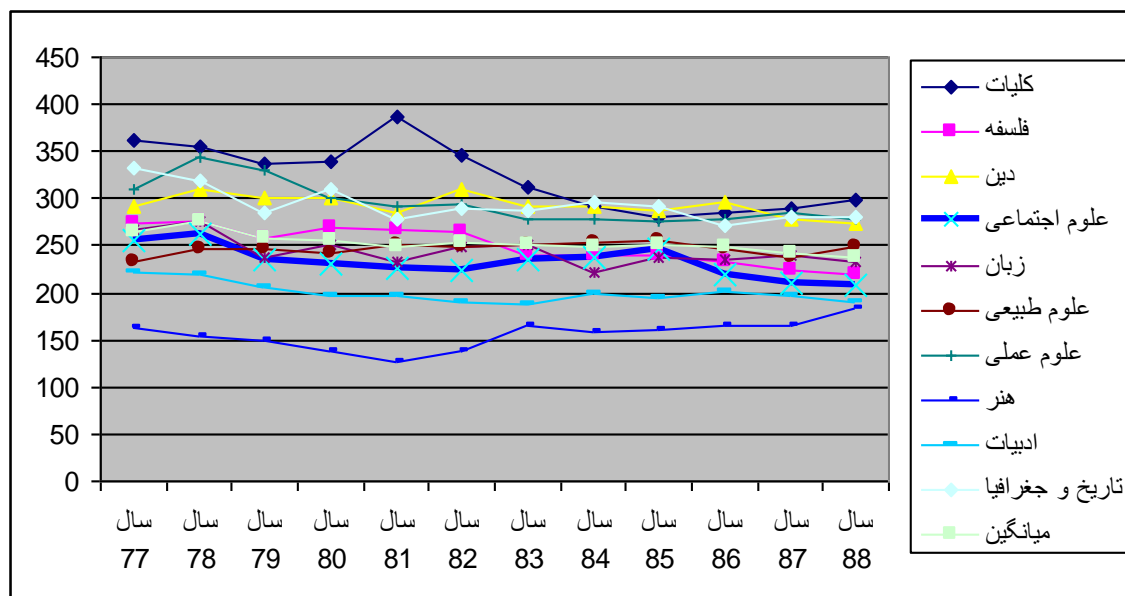


در جدول و نمودار شماره 5 وضعیت تولید و نشر کتاب براساس متوسط صفحه مشاهده می‌شود. افت این شاخص در دهه 78-88 برای رشته‌های علوم اجتماعی 20 درصد بوده است که بالاترین نرخ رشد منفی در این جدول است. حوزه هنر و علوم طبیعی رشد مثبت داشته‌اند. بنابراین رشد منفی سایر رشته‌ها جای بررسی بیشتر دارد. علاوه بر رکود کلی حاکم بر بازار کتاب و گرانی کاغذ، حوزه هنراحتماً از کمک‌های ویژه‌ای مانند حمایت حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از انتشار برخی آثار هنری بهره‌مند شده‌است.

جدول 5. کتب منتشر شده بر حسب متوسط صفحه و مقایسه سال 78 و 88

موضوع	عنوان 78	عنوان 88	متوسط صفحه 78	متوسط صفحه 88	نرخ رشد
کلیات	666	1,990	355	299	-16
فلسفه	724	2,775	275	219	-20
دین	4,866	10,150	311	273	-12
علوم اجتماعی	2,022	9,041	261	208	-20
زبان	1,831	3,830	275	233	-15
علوم طبیعی	2,411	6,428	247	248	0.4
علوم عملی	2,601	8,945	344	278	-19
هنر	922	2,313	153	183	19.6
ادبیات	4,312	11,969	220	189	-14
تاریخ و جغرافیا	1,096	3,113	318	280	-12
میانگین	21,451	60,554	275	238	-13

نمودار 5. سیر افت و خیز متوسط صفحه در دهه 78-88



### 5- زنانه یا مردانه بودن تولید علم در ایران (الگوی کتاب)

بر مبنای داده‌های جدول شماره 6 در سال 1378 تنها 4/2 درصد پدیدآورندگان کتاب در ایران زن بوده‌اند. این سهم با رشد تدریجی و خوبی در سال 1388 به 20 درصد رسیده است. این رشد نشانه رشد آرام تعادل جنسیتی در تولید علم در ایران و مشارکت فعال زنان در این عرصه است. در ارتباط با علوم اجتماعی آمار تفکیکی در دست نیست اما این حوزه نیز از این الگوی رشد مستثنی نبوده است.

جدول 6. تولید و انتشار بر اساس جنسیت پدید آورندگان

سال/جنسیت	مرد	زن	درصد زن به کل
سال 77	13108	1946	4.2
سال 78	14621	2377	5.1
سال 79	16186	2702	5.8
سال 80	20633	3644	7.8
سال 81	23234	4340	9.3
سال 82	24397	5046	11
سال 83	27649	5872	13
سال 84	26220	5362	12
سال 85	22724	4349	9.4
سال 86	30472	7206	16
سال 87	33443	8507	18
سال 88	36989	9468	20

#### 6- تیپولوژی پدید آورندگان کتب علوم اجتماعی

بنا به اذعان مسئولین خانه کتاب ایران و اداره کتاب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بر مبنای شغل پدیدآورندگان آماری تولید نمی‌شود. تفکیک مؤلفان دانشگاهی براساس القابی مانند دکتر که بر روی جلد کتابها درج می‌شود غیر دقیق است. زیرا بسیاری از مؤلفان دانشگاهی از این القاب استفاده نمی‌کنند. بنابراین سنخ‌شناسی پدیدآورندگان کتب علوم اجتماعی از نظر این مؤلفه با محدودیت مواجه است. اما با دقت نظر در کتب تولید شده می‌توان دو سنخ کلی و 9 سنخ فرعی را به ترتیب زیر برای علوم اجتماعی تولیدات ذکر نمود:

#### الف - پدیدآورندگان غیرآکادمیک:

- نویسندگان حرفه ای
- روشنفکران
- مترجمان غیر دانشگاهی
- حوزویان

● نویسندگان کمک آموزشی

● نو قلمان

### ب - پدیدآورندگان آکادمیک

● پژوهشگران

● مدرسان

● دانشجویان تحصیلات تکمیلی

نگارنده در سطح درون دانشگاهی با بررسی اجمالی شرح حال علمی استادان دو دانشکده دانشگاه تهران توانست داده‌های جدول 7 را فراهم کند. براساس داده‌های این جدول استادان دانشکده علوم اجتماعی از سال 60 تا 87 به صورت سرانه (سرانه 27 سال) 5/3 کتاب تولید کرده‌اند. در حالی که استادان دانشکده مهندسی شیمی همین دانشگاه در این مدت تنها 0/7 تولید و انتشار کتاب داشته‌اند. به این معنا که استادان علوم اجتماعی بر مبنای الگوی کتاب 7/5 برابر در تولید علم فعال تر بوده‌اند.

### جدول 7. مقایسه تولید و انتشار علم بین استادان دانشکده علوم اجتماعی و دانشکده مهندسی شیمی

سرانه	کتابهای انگلیسی	جمع کل	86-87	81-85	76-80	71-75	66-70	60-65	تعداد اعضای هیأت علمی	دانشکده
5/3	18	283	33	114	68	49	15	4	53	علوم اجتماعی
0/7	2	28							42	مهندسی شیمی

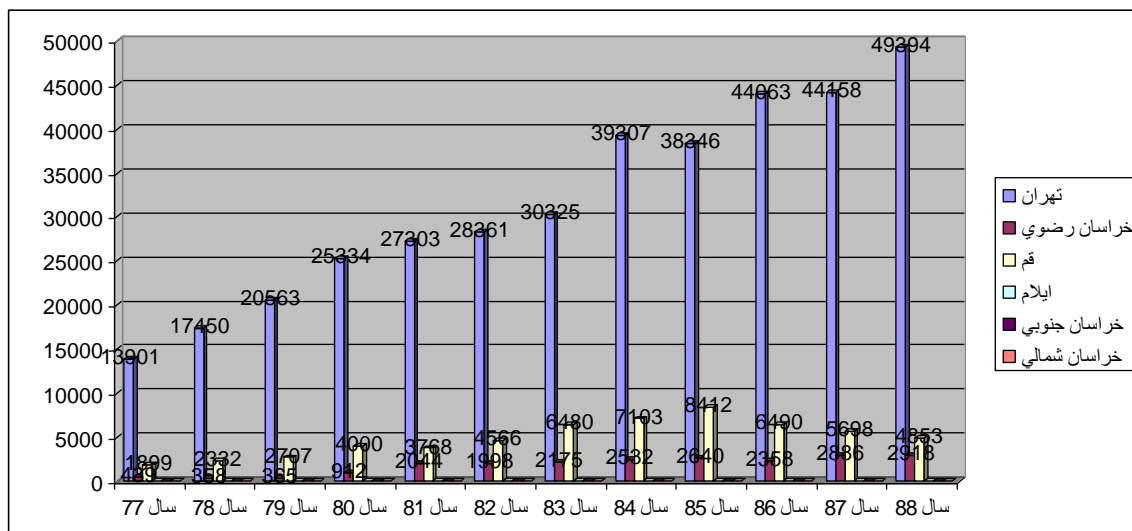
### 7- تولید علم بر مبنای توزیع جغرافیایی (مورد کتاب)

آمارهای موجود در این زمینه برای شهرستانهای مختلف به تفکیک موضوعی در دسترس نیست. اما در سطح آمارهای کلان، فاصله عمیقی بین استانهای مختلف مشهود است. نگارنده در جدول شماره 8 سه استان برخوردار را با سه استان محروم در زمینه نشر مقایسه نموده است تا عمق این فاصله روشن شود. لازم به توضیح است که آمار نسبتاً خوب استانهای قم و خراسان رضوی صرفاً به علت فعال بودن ناشرین مذهبی در شهرهای قم و مشهد است. بنابراین بین تهران و سایر استانها توزیع ناعادلانه‌ای در تولید و نشر کتاب وجود دارد که شایسته توجه است.

جدول 8. مقایسه تولید علم در شش استان کشور (مورد کتاب 1377-1388)

سال/استان	تهران	خراسان رضوی	قم	ایلام	خراسان جنوبی	خراسان شمالی
سال 77	13901	439	1899	2	26	0
سال 78	17450	358	2332	0	0	0
سال 79	20563	365	2707	2	0	0
سال 80	25334	912	4000	16	0	1
سال 81	27303	2044	3768	19	4	0
سال 82	28361	1998	4566	13	5	0
سال 83	30325	2175	6480	20	14	0
سال 84	39307	2532	7103	4	9	7
سال 85	38346	2640	8412	7	3	3
سال 86	44063	2358	6490	10	11	11
سال 87	44158	2886	5698	16	13	7
سال 88	49394	2918	4853	5	2	7

نمودار 6. مقایسه تولید علم در شش استان کشور (مورد کتاب)



## بحث و نتیجه‌گیری:

زیست بوم، یک سیستم با وابستگی شدید اکوسیستم‌های فرعی و همجوار به یکدیگر است. فرآیند رشد و توسعه علم نیز یک پویای همه جانبه و فراگیر است. این مطالعه براساس الگوی تولید علم در حوزه کتاب، حالت زیست بومی علم را بازنمایی می‌کند و نشان می‌دهد ادعاهایی چون رشد حیرت‌انگیز چند رشته فنی و مهندسی در عین عقب‌ماندگی مفرط علوم انسانی و اجتماعی محل تردید است. بویژه در شرایطی که امر سیاست‌گذاری علم و فناوری و مدیریت علم و اقتصاد علم ماهیتاً به حوزه علوم انسانی و اجتماعی مربوط می‌شود، در عین حال که کانون سیاست‌گذاری از علمی پژمرده و مسأله‌دار تغذیه کند ارتقای گلخانه‌ای دو یا سه رشته علمی از پویایی و پایداری لازم برخوردار نیست. مگر اینکه در عقب‌ماندگی علوم انسانی و اجتماعی از همگنان خود تردید کنیم. مطالعات جامعی صورت دهیم و از شاخص‌های متنوعی کمک بگیریم و به ماهیت متفاوت هر شاخه علمی توجه کنیم. در کنار آن کارکردهای بلندمدت و پنهان<sup>1</sup> علوم اجتماعی را نیز از نظر دور نداریم.

این مطالعه نشان داد تولید علم در قلمرو علوم انسانی بر اساس الگوی تولید کتاب یک موقعیت ممتاز دارد و حدود 80 درصد کل تولیدات را به خود اختصاص می‌دهد. از نظر نرخ رشد نیز در طول دهه 88-78 رشد 4/5 برابر را تجربه کرده است. این سهم برای علوم اجتماعی 14/9 درصد است که سهمی مطلوب است. (رتبه سوم در بین 10 شاخه علمی) از طرفی هم اکنون 86/5 درصد تولیدات علوم اجتماعی در حوزه کتاب تألیفی بوده و تنها 13/5 درصد ترجمه‌ای است. سیر تحول تولید کتاب در دهه مورد مطالعه بیانگر نوعی هماهنگی و هم تطوری در رشد کمی علمی در ایران است. برای مثال هر گاه تولید کتاب رشد داشته در همه رشته‌ها این چنین بوده است و هر گاه در شاخص‌هایی چون تیراژ و صفحه افت داشته‌ایم در عمده شاخه‌ها چنین بوده است. رشد بالای تعداد عناوین کتاب در دهه گذشته به دلیل پر کردن فاصله عمیق عقب‌ماندگی در همه رشته‌ها معنادار می‌شود.

مسأله مهم دیگری که این مطالعه اکتشافی بر ملا کرد اصل تنوع در زیست بوم علم است. در زیست بوم علم، تنوع در اندیشه‌ها، روشها، سازمانها و بازیگران و الگوهای تولید علم را باید به رسمیت شناخت. الگوی تولید و انتشار علم در هر گونه (شاخه) متفاوت است. در رشته شیمی این الگو تولید مقاله ISI و در علوم اجتماعی تولید مقاله داخلی و کتاب است. جالب اینجاست که آمارها در الگوی اختصاصی علوم اجتماعی بسیار امیدوارکننده و برخلاف برخی ادعاهای تبلیغاتی است (سهم 80 درصدی علوم انسانی از کتاب و 50 درصدی از مقالات ISC و 38 درصدی از کل مجلات علمی دارای مجوز از وزارت علوم). این آمارها نشان می‌دهد عقب‌ماندگی علوم انسانی (ایضاً علوم اجتماعی) در ایران در مقایسه با همگنان خود یعنی رشته‌های علوم پایه و فنی و مهندسی و ... با توجه به اصل تنوع الگو به شدت محل تردید است. این الگو در علوم اجتماعی بیشتر به سمت انتشار در داخل کشور و نگاه به مسایل بومی سوق یافته است و در رشته‌های فنی و مهندسی و علوم پایه در قالب مقالات بین‌المللی اختراعات بالقوه را به صورت خام منتشر و موجب تبدیل ایده‌های مندرج در مقالات به اختراع توسط کشورهای صنعتی شده است.

مطالعه حاضر نشان می‌دهد در ارزیابی تولید و انتشار علوم اجتماعی و هر شاخه علمی دیگر باید به موقعیت‌های محلی توجه کرد. برای رشته شیمی مقالات ISI و برای علوم اجتماعی انتشار کتاب یک موقعیت محلی تلقی می‌شود که در دسترس قرار گرفته است.

---

<sup>1</sup> Latent Functions

در پایان هنوز هم می‌توان امیدوار بود که علوم اجتماعی در قالب یک گونهٔ کلیدی در زیست بوم علم ایران قد علم کند و آشیان<sup>۱</sup> بلند و ویژهٔ خود را تصاحب نماید.

## منابع

- ادواردز، شرلی و مک کری، مایکل (1991) *سنجش عملکرد پژوهشگران*، ترجمه طاهره ژیان احمدی، فصلنامه رهیافت، شماره پانزدهم، بهار 1376.
  - بری، جان (1382)، *محیط زیست و نظریه اجتماعی*، ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
  - حری، عباس (1383) *اکولوژی اطلاعاتی و نظام اجتماعی*، فصلنامه اطلاع شناسی، تابستان 1383
  - خانه کتاب ایران (1389) گزارش منوگراف آمار انتشار کتاب از سال 1377 تا 1388.
  - خسرو خاور، فرهاد (1388)، *جامعه شناسی علم*، مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور، منوگراف
  - شارع پور محمود و فاضلی، محمد (1386) *جامعه شناسی علم و انجمن های علمی در ایران*، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
  - گلوور، دیوید، استرابریج، شیلاف و توکل، محمد (1985) *جامعه شناسی معرفت و علم*، ترجمه شاپور بهیان و همکاران، انتشارات سمت، 1383.
  - محمدی، احسان (1387)، *مفهوم نقشه های ساختار علوم*، فصلنامه رهیافت، شماره 43، پاییز و زمستان 1387.
  - مولکی، میشل، (1991) *هنجارهای اجتماعی و ایدئولوژی در علم*، ترجمه غلامعلی ابراهیمی، فصلنامه رهیافت، شماره یازدهم، زمستان 1374.
  - Bourdieu, Pierre (1999) *the Specificity of the Scientific Field and the Social Conditions of the Progress of Reason*, *The Science Studies Reader*, Routledge.
  - Carry, William (1992) *The new Politics of Science*. University of Chicago press.
  - Thomson Scientific (2010) *web of Science*. [on line] At: <http://scientific.thomson.com/products/wos>
- \* غلامرضا ذاکر صالحی استادیار مؤسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی است. از ایشان تاکنون کتاب دانشگاه ایرانی: درآمدی بر جامعه شناسی آموزش عالی (1383)، مهاجرت نخبگان (1379). *تقلب علمی*:

---

<sup>1</sup> niche

جنبه‌های اجتماعی و حقوقی (1389)، کتابشناسی پژوهش در آموزش عالی (1388) و دهها مقاله علمی -  
پژوهشی و علمی - ترویجی منتشر شده است. Grsalehi1@yahoo.com